خطابه‌های جاودانه

در آستانه سالروز انتصاب آیت‌ا... خامنه‌ای به امامت جمعه تهران، از سوی امام خمینی(ره) در سال ۱۳۵۸ مروری بر ۷ خطبه، از مهم‌ترین خطبه‌های رهبر انقلاب طی بیش از ۴ دهه گذشته، داشته‌ایم

گروه اندیشه- نماز جمعه در آموزه‌های اسلامی، یک فریضه عبادی - سیاسی است؛ به این معنا که در این فریضه، در کنار معنویت، یاد خدا و به جا آوردن فرایض عبادیِ فردی، لزوم توجه به امور مربوط به جامعه اسلامی، از ابعاد مختلف آن، مورد تأکید قرار می‌گیرد. این مسئله در خطبه‌های نماز هم رعایت می‌شود؛ خطبه نخست به امور عبادی و عموماً فردی اختصاص دارد و خطبه دوم، در برگیرنده مطالب و نکاتی درباره جامعه اسلامی و مسائل آن، از ابعاد مختلف است. نقش امام جمعه، در اقامه خطبه‌ها و حاصل شدن نتیجه‌ای که شارع مقدس، برای اقامه نماز جمعه در نظر گرفته، بسیار اساسی و کلیدی است. امام جمعه، افزون بر تسلط کامل بر مباحث شرعی و فقهی و نیز، آشنایی کامل با امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه اسلامی، باید صاحب بیانی رسا، وزین و قابل فهم برای عموم مؤمنان باشد. به همین دلیل بود که در ۲۴ دی ماه سال ۱۳۵۸، امام خمینی(ره)، حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای را به عنوان امام جمعه تهران منصوب کردند. از آن زمان تا امروز، خطبه‌های رهبر انقلاب در نمازهای جمعه که تعداد آن‌ها حدود ۲۴۰ خطبه می‌شود، در زمره قوی‌ترین و تأثیرگذارترین خطبه‌ها بوده است و باید برخی از آن‌ها را راهبردی‌ترین خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ جمهوری اسلامی ایران بدانیم. در آستانه سالروز انتصاب حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، با هم مروری خواهیم داشت بر هفت خطبه، از مهم‌ترین خطبه‌هایی که معظم‌له، طی بیش از چهار دهه ایراد کرده‌اند. برخی از پژوهشگران تاریخ انقلاب اسلامی، معتقدند که باید خطبه‌های ایراد شده توسط رهبر انقلاب را، به دو دوره قبل و بعد از دوران رهبری ایشان تقسیم کرد. این دیدگاه، گرچه صحیح است اما ملاک ما برای برگزیدن مهم‌ترین خطبه‌ها نیست؛ یعنی بنا نداریم که مهم‌ترین خطبه‌ها را به‌طور مساوی، از قبل و بعد از انقلاب انتخاب کنیم. بنابراین، کوشش کرده‌ایم که انتخابمان، به دور از تقسیم‌بندی‌های تاریخی صرف و مبتنی بر موضوعات و گاه اتفاقاتی باشد که قبل، بعد یا در حین ایراد خطبه به وقوع پیوسته‌است.

۲۸ دی ۱۳۵۸: پیام وحدت برای ملت

نخستین خطبه نماز جمعه، به امامت حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در ۲۸ دی سال ۱۳۵۸ ایراد شد. ایشان در این خطبه مهم، با توجه به شرایط کشور، به نکاتی خاص و قابل توجه اشاره کردند که مسئله «وحدت» و اتفاق ملت در رأس آن قرار داشت: «برادران و خواهران عزیز! مخصوصاً برادران و خواهران جوان! سعی کنید از تفرقه‌های تازه جلوگیری کنید. سعی کنید بر مشترکات اصولی، همه گِرد بیایید، سعی کنید دل‌ها به هم نزدیک شود، سعی کنید دل‌ها بیش از این از هم جدا نشود. ای کسانی که سررشته دل‌های گروهی از مردم در دست شماست، ای کسانی که گروهی از مردم از شما درس می‌گیرند و یاد می‌گیرند، برای خاطر خدا به هم نزدیک بشوید، برای خاطر خدا خودخواهی‌ها را کنار بگذارید، برای خاطر خدا بر روی اختلاف سلیقه‌ها این همه تکیه نکنید. اختلاف در اصول باید نباشد، اگر اصول، یکی است اختلاف سلیقه‌ها قابل تحمل است.»

۲۴ اسفند ۱۳۶۳: نمایش ایمان و اقتدار

تاریخی‌ترین نماز جمعه‌ای که به امامت حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، پیش از رسیدن ایشان به مقام رهبری ایراد شد، مربوط به ۲۴ اسفند ۱۳۶۳ است. در آن زمان رژیم صدام تهدید کرده بود که نماز جمعه تهران را هدف حمله موشکی قرار خواهد داد. با این حال، مردم پایتخت، بدون هیچ ترس و واهمه و حتی بیشتر از قبل، در نماز جمعه آن روز شرکت کردند؛ مؤمنان نمازگزار، حتی کودکان خود را هم به نماز جمعه آورده بودند تا اعلام کنند ترسی از تهدید دشمن ندارند و شهادت آرزو و افتخار آن‌هاست. رهبر انقلاب در آن سخنرانی تاریخی، در حال تبیین و بررسی تاریخ مقاومت ملت ایران در برابر استعمار بودند. هنگامی که سخن ایشان به این جمله رسید که «مرحوم آیت ا... کاشانی یک فرد مکتبی بود»، صدای انفجار مهیبی در فضای دانشگاه تهران طنین انداز شد. بمب را در نزدیکی محل استقرار امام جمعه قرار داده و منفجر کرده بودند. لحظاتی پس از این حمله تروریستی، مرحوم مرتضایی‌فر، از مسئولان برگزاری نماز جمعه، پشت بلندگو قرار گرفت و فریاد زد: «ا... اکبر، رئیس جمهور اسلامی ایران به بیانات شان ادامه می‌دهند. هیچ نیرویی نمی‌تواند ملت ما را [وادار به] تسلیم کند.» رهبر انقلاب، در ادامه خطبه نماز جمعه آن روز گفتند: «توجه کنید! همان طور که از شعارهای شما برادران عزیز هم کاملاً فهمیده می‌شود، این انفجاری که رخ داد مربوط به یک حرکت منافقانه و رذالت‌آمیزی بود که در بحبوحه جنگ، عوامل و مزدوران خائن استکبار جهانی، در نماز جمعه این بمب دستی را کار گذاشته بودند.» ایشان بعد از بیان این جملات، خطبه را از همان جایی که قطع شده بود، ادامه دادند. این حرکت شجاعانه، مورد تمجید حضرت امام(ره) قرار گرفت.

۵ مهر ۱۳۷۰: چه شد که پیروز شدیم؟

خطبه رهبر انقلاب در نماز جمعه پنجم مهر ۱۳۷۰، از آن جهت خاطره‌انگیز بود که در زمان بحث بر سر آغازگر بودن رژیم صدام در جنگ تحمیلی هشت ساله در سازمان ملل متحد، ایراد می‌شد و حدود دو ماه بعد از این خطبه شورانگیز، سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای، رژیم بعث را رسماً به عنوان آغاز کننده جنگ تحمیلی اعلام کرد. رهبر انقلاب در این خطبه تاریخی، به وجوه مختلف این موضوع اشاره کردند، اما شاید مهم‌ترین فراز سخنان ایشان، بررسی دلایل این پیروزی بزرگ بود: «چه شد که این پیروزی به دست آمد؟ برادران و خواهران عزیز در سراسر کشور! چه شد که شما پیروز شدید؟ آیا جز ایمان شما، توکل شما به خدا، تصمیم شما برای ایستادگی در مقابل دشمنان خدا، وحدت کلمه شما - که به هیچ وسیله‌ای نتوانستند آن را در هم بشکنند - فداکاری قهرمانانه جوانان شما؛ جوانانی که در عین جوانی، از لذت‌های دنیا گذشتند و تسلیم وسوسه‌ها نشدند؛ و پدر و مادرانی که از جوانان شان گذشتند و تسلیم وسوسه محبت و عشق به اولادشان نشدند و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا و نگریستن به هدف عالی - یعنی سربلندی اسلام و مسلمین - پیروزی ملت ایران عامل دیگری داشت؟ اگر ایران در آن روزی که دشمن از همه طرف به آن حمله کرد، به شرق یا به غرب، به آمریکا، به اروپا، به شوروی رو می‌آورد، باز هم پیروز شده بود؟ نمی‌گذاشتند پیروز بشود. جنگ تمام می‌شد، اما جنگ بدون پیروزی و بدون افتخار؛ سلطه خودشان را بر این ملت از سر می‌گرفتند.»

۸ آبان ۱۳۷۷: هزارمین نماز جمعه تهران

یکی از مشهورترین خطبه‌های ایراد شده توسط رهبر انقلاب، خطبه‌ای است که در هزارمین نماز جمعه تهران ایراد کردند؛ خطبه ای که در آن، در کنار پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی مختلف، موضوع اهمیت نماز جمعه و نقش آن در بیداری مردم و پیوستگی و وحدت آن‌ها و به ویژه نقش جوانان در این روند متعالی، از سوی معظم‌له با دقت تحلیل و بررسی شد: «جوانان و نوجوانان عزیز من! همه شما می‌توانید در کشورتان نقش پیدا کنید. یک روز نقش، نقش «حسین فهمیده» بود؛ یک روز نقش‌های دیگر است. در زمینه مسائل دینی، مسائل فرهنگی، مسائل سیاسی، مسائل اخلاقی، آینده نگری، امیدبخشی، نشاط دادن به محیط پیرامون خود و تعبّد و تقیّد و پایبندی به شریعت اسلامی - که سرمایه سربلندی فرد و جامعه است - می‌توان مجاهدت کرد. البته در آن‌ها، دادنِ جان مطرح نیست؛ اما همّت و اراده و تصمیم لازم دارد. همه می‌توانید در مدارس، در دانشگاه‌ها، در محیط‌های کار و غیره، نقش ایفا کنید. جوان زنده و بانشاط و پُرامید و پاکدامن، می‌تواند یک تاریخ را بیمه کند... البته برای شما جوانان و نوجوانان عزیز کشور ما هم خیلی خواب‌ها دیدند و خیلی نقشه‌ها کشیدند؛ اما بحمدا... نتوانستند. البته این نتوانستن، به خاطر هوشیاری شماست. این هوشیاری را هم در دانشگاه‌ها و هم در مدارس افزایش دهید و به دنبال فهم صحیح معارف اسلامی و پایبندی به تکالیف دینی و اخلاق نیک باشید ... پارسا باشید، هوشمند باشید، فکر کنید، دوست را بشناسید، دشمن را بشناسید.»

۲۶ آذر ۱۳۷۸: ریزش‌ها و رویش‌های انقلاب

بعد از حوادث تیرماه سال ۱۳۷۸، برخی تردیدها در میان دلسوزان انقلاب اسلامی به وجود آمد؛ تردیدهایی که نگرانی آن‌ها را از تداوم آرمان‌های انقلاب در نسل‌های بعدی نشان می‌داد. در خطبه ۲۶ آذر ۱۳۷۸، رهبر انقلاب، بخشی از سخنان شان را به این امر اختصاص دادند و کلیدواژه مشهور «ریزش‌ها و رویش‌های انقلاب» حاصل همین بیانات است: «به شما عرض کنم، بشارت‌های الهی این قدر زیاد است که هر غمی را از دل پاک می‌کند. بشارت‌های الهی خیلی زیاد است. نباید خیال کرد که اگر چهار نفر آدمی که سابقه انقلابی دارند، از کاروان انقلاب کنار رفتند، پس انقلاب غریب ماند. نه آقا، همه انقلاب‌ها، همه فکرها، همه جریان‌های گوناگون اجتماعی، هم ریزش دارند، هم رویش دارند؛ ریزش در کنار رویش. شما به صدر اسلام نگاه کنید، ببینید آن کسانی که در دوران غربت اسلام و غربت علی(ع)، از امیرالمؤمنین دفاع کردند، چه کسانی بودند؟ این‌ها سابقه‌داران اسلام نبودند. سابقه‌داران اسلام، جناب طلحه و جناب زبیر و جناب سعد بن ابی وقّاص و امثال این‌ها بودند. بعضی از این‌ها علی را تنها گذاشتند؛ بعضی از این‌ها در مقابل علی ایستادند. این‌ها ریزش‌ها بودند. اما رویش کدام است؟ رویش، عبدا... بن عباس است؛ محمد بن ابی بکر است؛ مالک اشتر است؛ میثم تمّار است. این‌ها رویش‌های جدید هستند. این‌ها که در زمان پیامبر نبودند؛ این‌ها در همان دوران غربت اسلام روییدند؛ این‌ها نهال‌های تازه‌اند... بله؛ ممکن است کسانی ریزش پیدا کنند که البته مایه تأسف است. وقتی به امیرالمؤمنین شمشیر زبیر را دادند، گریه کرد. همان طور که گفتم، غصه دارد. غصه دارد کسانی ریزش پیدا کنند که یک روز پای سفره انقلاب، پای سفره امام زمان (عج)، پای سفره اسلام و قرآن نشستند و نان و نمک اسلام را خوردند؛ اما در کنار آن ریزش‌ها، مالک اشترها هستند... جا دارد که درباره این ریزش‌ها و رویش‌ها، از دیدگاه جامعه شناختی و روان شناختی و تاریخی، کار و بحث کنند.»

۲۹ خرداد ۱۳۸۸: هوشیاری در برابر فتنه‌ها

خطبه‌ای که رهبر انقلاب، در پی وقایع مربوط به انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ماه سال ۱۳۸۸ ایراد کردند، یکی از تاریخی‌ترین خطبه‌های معظم‌له محسوب می‌شود؛ خطبه‌ای که در آن شرایط خاص، بیش از هر چیز، ملت و سیاستمداران را به وحدت و همدلی سفارش می‌کرد و بر هوشیاری در برابر فتنه‌ها تأکید داشت: «خطاب به سیاسیون و نامزدها و گردانندگان احزاب و جریانات است. من می‌خواهم عرض کنم به این حضرات، که امروز یک لحظه حساس تاریخی برای کشور است؛ نگاه کنید به وضع دنیا، نگاه کنید به وضع خاورمیانه، نگاه کنید به وضع اقتصادی عالم، نگاه کنید به مسائل کشورهای همسایه ما مثل عراق، مثل افغانستان، مثل پاکستان. ما در نقطه حساسی از تاریخ قرار گرفته‌ایم. همه ما وظیفه داریم که در این مرحله تاریخی هوشیار باشیم، دقیق باشیم، مواظب باشیم اشتباه نکنیم. در این قضیه انتخابات، مردم حقاً و انصافاً به وظیفه خودشان عمل کردند. وظیفه‌شان این بود که بیایند پای صندوق‌های رأی، که به بهترین وجهی این وظیفه ادا شد؛ اما ما و شما وظایف سنگین‌تری داریم. آن کسانی که به یک نحوی یک نوع مرجعیتی در افکار مردم دارند؛ از این سیاسیون و رؤسای احزاب و کارگردانان جریانات سیاسی و یک عده‌ای از این‌ها حرف شنوی دارند، این‌ها خیلی باید مراقب رفتار خودشان باشند؛ خیلی باید مراقب گفتار خودشان باشند. اگر آن‌ها کمی افراطی‌گری کنند، دامنه این افراطی‌گری در بدنه مردم به جاهای بسیار حساس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آن‌ها، دیگر نمی‌توانند آن را جمع کنند، که ما نمونه‌هایش را دیده‌ایم ... اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسئول خون‌ها و خشونت‌ها و هرج و مرج‌ها، آن‌ها هستند. من به همه این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه می‌کنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعه صدر داشته باشید؛ دست‌های دشمن را ببینید؛ گرگ‌های گرسنه کمین کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره‌هایشان برمی‌دارند و چهره حقیقی خودشان را نشان می‌دهند، ببینید؛ از این‌ها غفلت نکنید.»

۱۵ بهمن ۱۳۸۹: آن چه درباره ما می‌گویند

سال ۱۳۸۹، همزمان با تحولات منطقه‌ای گسترده در غرب آسیا و شمال آفریقا بود؛ انقلاب‌های متعددی در کشورهای منطقه روی داد و بسیاری از دیکتاتورهایی که مدت حکومت شان از چند دهه گذشته بود، به زیر کشیده شدند. در ۱۵ بهمن سال ۱۳۸۹، حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، ضمن ایراد خطبه‌ای بلیغ و پرحکمت درباره دلایل و چگونگی وقوع این رخدادها که بخشی از آن، به زبان عربی و خطاب به مردم عرب زبان منطقه ایراد شد، به جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران در این تغییرات بنیادین و واهمه غرب از این تأثیرگذاری اشاره کردند و گفتند: «من یک جمله‌ای را از یک مقام غربی نقل کنم. بنده دأبم نیست از قول این سیاستمدارها و معاریف غربی چیزی بگویم؛ اما این جمله جالبی است. او می‌گوید: دو چیز است که اگر در میان مسلمان‌ها دست به دست بگردد و ملت‌های مختلف مسلمان از این دو چیز آگاه شوند، دیگر همه تابوهای غرب -یعنی اصول جزمی غرب- درهم خواهد شکست و باطل خواهد شد. این دو چیز چیست؟ این متفکر غربی می‌گوید: یکی قانون اساسی جمهوری اسلامی است؛ که این قانون اساسی، یک حکومت مردمی و پیشرفته امروزی و در عین حال دینی را در چشم مسلمانان جهان ممکن می‌سازد. این قانون اساسی نشان می‌دهد که می‌توان یک حکومتی داشت که هم متجدد باشد، امروزی باشد، پیشرفته باشد و هم کاملاً دینی باشد. قانون اساسی این را تصویر می‌کند. می‌گوید چنین چیزی ممکن است. این یک. دوم، کارنامه موفقیت‌های علمی و اقتصادی و سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی است؛ که اگر این دست مسلمان‌ها برسد، می‌بینند که آن امرِ ممکن اتفاق افتاده است، واقع شده است. او می‌گوید اگر ملت‌های مسلمان از این امکان و وقوع نسبی که هم ممکن است، هم در ایرانِ امروز اسلامی به طور نسبی واقع شده است، مطلع شوند، این نظام‌سازی را پیش چشم داشته باشند، دیگر جلوی سلسله انقلاب‌ها را نمی‌توان گرفت. امروز این اتفاق افتاده است. البته این اتفاق، امروز نیفتاده است؛ ۳۰ سال است. یک مطلب تدریجاً و آرام آرام در ذهن ملت‌ها جا می‌گیرد، رشد می‌کند، پخته می‌شود، بعد به این صورتی که امروز در شمال آفریقا و در مناطق دیگر مشاهده می‌کنید، بروز می‌کند.»

عکس‌ها: KHAMENEI.IR

به مناسبت سالروز رحلت آیت‌ا... احمد مجتهدی تهرانی

سیمای «اخلاق اسلامی» در روزگار ما

رودسری- ۱۴ سال از آن روز غم‌انگیز می‌گذرد؛ از روزی که آیت ا... مجتهدی تهرانی دار فانی را وداع گفت؛ روز یک شنبه بود، چهارم محرم یا اگر بخواهیم تاریخ شمسی‌اش را بگوییم، ۲۳ دی ماه ۱۳۸۶. خیلی از شما مخاطبان عزیز، شاید سخنان او را شنیده باشید؛ سخنرانی‌هایی که از فرط شیرینی، طعمش در خاطر مخاطب می‌ماند؛ کلماتی که در زلال آن‌ها، می‌شد انسانیت و آدم بودن را معنا کرد. از اخلاق گفتن و اخلاقی حرف زدن، شاید زیاد سخت نباشد. شاید بشود چند کتاب خواند و بعد، به پیروی از سلوک و سیره بزرگان دین، نصایحی را پشت هم، با فصاحت و بلاغت تحویل حاضران داد اما هر قدر هم که تلاش کنی شیرین حرف بزنی، باز هم کلام تو، با کلام آیت ا... مجتهدی تهرانی فرق دارد. اصلاً انگار جنس سخنش با تو فرق می‌کند، در حالی که می‌دانی، او هم خارج از این معارف، سخنی را به زبان نمی‌آورد!

این حقیقت را زمانی بهتر می‌فهمی که پای سخنش، چهره به چهره نشسته باشی؛ آن وقت، دیگر نمی‌توانستی دل از کلامش برداری، دلت نرم می‌شد، او می‌گفت و تو می‌گریستی؛ انگار آدرس روح همه مستمعان را داشت و دم به دم برایشان پیغام‌هایی می‌فرستاد که از دل برمی‌خاستند و لاجرم، بر دل می‌نشستند. حتی زیر و بم صدای استاد، با بقیه مدرسان فرق داشت، صمیمیتی در آن مخفی بود که مجذوبت می‌کرد. وقتی به چهره‌اش می‌نگریستی، مِهر می‌دیدی و مهربانی؛ از تکلف‌های معمول میان اهل فضل خبری نبود. همیشه کلامش، با مثال‌های ساده و قابل فهم همراه می‌شد؛ شعر سعدی را می‌خواند، از حافظ هم می‌خواند، حتی از آن شعرهای قدیمی اهالی تهران که شاعر و منشأ آن‌ها چندان معلوم نیست، اما می‌شود هزار حرف حساب را با آن‌ها به کوله‌بار عُمر جویندگان فضایل اخلاقی ریخت. برخی این‌ها را، این استعداد شگفت را، این صمیمیت زلال را، به حساب توانمندی‌های فردی آیت‌ا... مجتهدی تهرانی می‌گذاشته و می‌گذارند؛ اما من می‌گویم حرف‌هایش، نگاهش، رفتار و سلوکش به دل می‌نشست چون همه آن چه را که می‌گفت، اول در خودش پیاده کرده بود. سیمای او، همان سیمای دلنشینِ مزیّن به اخلاق اسلامی بود که در کلامش معنا می‌شد. آیت ا... مجتهدی تهرانی خوب درک کرده بود معنای کلام وحی را که می‌فرماید: «کَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف-۳)؛ «نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید.»

آگهی مناقصه شماره ۱۴۰۰/۱۸ -نوبت دوم

شرکت سیمان قاین (سهامی عام) در نظر دارد عملیات نگهداری تعمیرات مکانیکی، بهره برداری نظافت و امور تولیدی دپارتمانهای آسیاب سیمان و سنگ شکن گچ و بارگیر خانه خط تولید خود را به پیمانکار واجد شرایط که سابقه کار مرتبط با موضوع مناقصه را داشته باشد واگذار نماید، لذا از شرکتهایی که توانایی انجام کار مذکور را دارا می باشند دعوت بعمل می آید از تاریخ چاپ آگهی بمدت ده روز به غیر از روزهای تعطیل(حداکثر تاساعت۱۵ روزدوشنبه ۱۴۰۰/۱۱/۴) ضمن ارائه فیش واریزی به مبلغ ۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۱۰۵۶۳۴۵۹۸۰۰۱ به نام شرکت سیمان قاین (بانک ملی شعبه قاین) جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرسهای ذیل مراجعه و مدارک مربوطه را پس از تکمیل در محدوده زمانی فوق الذکر تحویل واحد حراست شرکت سیمان قاین نمایند.

شرکت سیمان قاین (سهامی عام)

تهران ،خیابان سهرودی شمالی - کوچه شهید حمید قدس (اندیشه دوم) ،پلاک ۶۹ طبقه دوم .تلفن ۸۶۰۲۲۷۴۳-۰۲۱

قاین ،کیلومتر ۱۰ جاده بیرجند .کارخانه سیمان قاین . تلفن ۰۵۶۳۲۵۲۶۲۱۲

۱۴۰۰۰۸۶۹۸۸

آگهی

اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

به استناد سند شماره ۳۲۳۴۹ شناسه ۱۴۰۰۱۱۴۵۶۷۳۶۰۰۰۰۳۱ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۴۱ بوشهر ، نصراله فرهمند (سه دانگ) با شماره ملی ۳۵۳۹۸۴۷۱۲۱ و نعمت اله فرهمند (سه دانگ) با شماره ملی ۳۵۳۹۸۵۰۶۷۸، نسبت به انتقال شش دانگ سهم مشاع یک فروند شناور به شماره ثبت ۱۲۵۸-بوشهر به علیرضا شرفی پور (شش دانگ) با شماره ملی ۳۴۳۰۰۲۸۸۶۸ اقدام نموده اند. مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می گردد.

۷۷۱

اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

۱۴۰۰۰۵۵۱۷۹